

نامه برتری دارد و در واقع جایگزین آن محسوب می شود. از میان کشورهای اسلامی ۲۶ دولت عضو متعهد کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضع پناهندگان اند، این کشورها عبارت اند از: آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، بورکینافاسو، جیبوتی، مصر، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، موریتانی، مراکش، نیجر، نیجریه، چاد، سنگال، مالی، سومالی، سودان، سیرالئون، تاجیکستان، تونس، ترکیه، ترکمنستان، یمن و تانزانیا.

قانون اساسی

به موجب اصل (۱۵۵)، دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند، پناه دهد، مگر اینکه بر طبق قوانین ایران، خائن و تهکار شناخته شوند. در مشروح مذاکرات مربوط به این اصل در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، در خصوص موضوع استرداد مجرمان و بزهکاران و رابطه آن با مفاد این اصل بحث گردید (صورت مشروح مذاکرات مجلس...، ص ۱۵۲۲-۱۵۲۱) و مطرح شد که قرارداد یاد شده مربوط به قرارداد استرداد مجرمان است، نه استرداد پناهندگان.

بر همین پایه، در موافقت نامه های مربوط به استرداد مجرمان آورده شده است: «هرگاه جرمی که استرداد به علت ارتکاب آن درخواست می شود، جرم سیاسی باشد، با استرداد موافقت نخواهد شد.»

همچنین، هرگاه مقام صلاحیت دار کشور درخواست شونده اعلام کند، دلایل اساسی وجود دارند که نشان می دهند درخواست یاد شده به قصد پیگرد یا مجازات شخص به علت جنسیت، نژاد، دین، ملیت یا اعتقادات سیاسی نامبرده صورت گرفته است، با استرداد موافقت نخواهد شد. (ماده چهارم قانون موافقتنامه استرداد مجرمان بین ایران و آفریقای جنوبی مصوب ۱۳۸۶)

قوانین عادی و مقررات

۱- به موجب ماده (۱۸۰) قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹ که در ماده (۱۲۹) قانون برنامه چهارم توسعه نیز تنفیذ شده است، به منظور ایجاد تمرکز در سیاست گذاری امور اتباع خارجی از جمله پناهندگان در زمینه ورود، اسکان، اخراج، اشتغال، آموزش، بهداشت و درمان و روابط بین الملل، شورای هماهنگی اجرایی اتباع بیگانه تشکیل می شود و تصمیمات شورای یاد شده، پس از تأیید هیات وزیران قابل اجرا خواهند بود.

۲- بر اساس ماده (۱۲۲) قانون کار مصوب ۱۳۶۹، وزارت کار و امور

اجتماعی می تواند نسبت به صدور، تمدید و تجدید پروانه کار افراد به این شرح اقدام نماید: «... ج. مهاجران کشورهای بیگانه خصوصاً کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و پناهندگی و پس از موافقت کتبی وزارتخانه های کشور و امور خارجه.»

۳- برابر ماده (۹۶۱) قانون مدنی که پناهندگان را نیز شامل می شود، اتباع خارجه از همه حقوق مدنی بهره مند خواهند بود، به جز در این موارد: «یک- درباره حقوقی که قانون آن را آشکارا منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را آشکارا از اتباع خارجه سلب کرده است. دو- درباره حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه، آن را پذیرفته است.

سه- درباره حقوق ویژه ای که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.»

۴- قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و تفاهم نامه یا پروتکل (پیش نویس قرارداد و یا صورت مذاکرات توافق شده طرفین) آن مصوب ۱۳۵۵.

۵- به موجب بند (۱۲۱) منشور حقوق و مسؤولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، از جمله حقوق و مسؤولیت های زنان در سیاست بین المللی، حق برخورداری زنان پناهنده به جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت و سلامت و امکان بازگشت آن ها به میهن خود می باشد که به رسمیت شناخته شده است.

۶- آیین نامه پناهندگان مصوب ۱۳۴۲/۹/۲۵ هیات وزیران.

۷- آیین نامه اجرایی ماده (۱۸۰) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه موضوع ماده (۱۲۹) قانون برنامه چهارم توسعه.

اشتراک وضعی حقوقی پناهنده با مهاجرت

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوبه سال ۱۹۴۸ که در ماده چهارده آن به حق پناهندگی اشاره شده، اساس سیاست پناهندگی را این اعلامیه تشکیل می دهد، در سال ۱۹۵۱ قرارداد بین المللی به امضا رسید که به نام «کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو» مشهور است. بر اساس این معاهده کشورهایی که با سازمان ملل متحد قرار داد پذیرش مهاجر را می بندند، موظف اند تا کسانی را که در این معاهده پناهنده تعریف شده است به حیث مهاجر بپذیرند.

بعداً تعدیلات جزئی در این قانون بوجود آمد و مقاوله ها و صورت جلساتی به آن اضافه شد و اما این سه اصل پذیرش پناهندگی همچنان پا بر جاست و

هنوز هم کشورهای جهان بر اساس این معاهده پناهنده می پذیرند.

کسانی که به دلایل اقتصادی و اجتماعی اقدام به مهاجرت می کنند، قانوناً شامل پناهندگی نمی شوند، ولی بعضی کشورها بر اساس ملاحظات بشر دوستانه و احترام به حقوق بشر و با توجه به نیازمندی کشورشان به نیروی کار، مهاجران اقتصادی و اجتماعی را نیز می پذیرند. این ها زیربنای حقوقی مهاجرت را تشکیل می دهند؛ اما در حقیقت، سیاست پناهندگی هر کشور را منافع ملی آن کشور تعیین می کند.

تفاوت پناهنده و مهاجر

در حقیقت پناهندگان به خاطر نجات جان خود و حفظ آزادی شان ناچارند از جایی به جای دیگر بروند، ولی مهاجر به میل خود اینکار را انجام می دهد و دقیقاً به همین علت است که دولت ها در برخورد با این دو قشر قوانین متمایزی را اجرا می کنند. ولی در مورد ایران موج اول افغانستانی هایی که با حمله ی شوروی از این کشور خارج شدند و همچنین ایرانی های مقیم عراق که توسط صدام اخراج شدند و همچنین عراقی های مرزنشین که با جنگ وارد ایران شدند را می توان اکثر پناهجو نامید و از طرفی افغان هایی که در این چند سال اخیر به خاطر بازار کار مناسبی که در ایران دیدند وارد کشور شدند که تعداد کثیری از جمعیت افغان را امروز شامل می شود را باید مهاجر قلم داد کرد. ولی مشکل اصلی این است که دولت ایران در هر دو مورد یک قانون را پیش رو گرفت که اگر از همان ابتدا این تفکیک انجام شده بود، بسیاری از مشکلاتی که اکنون با آن مواجه هستیم را نداشتیم.

تفاوت پناهجو و پناهنده

کسی که ادعا می کند پناهنده است، پناهجو نامیده می شود و کسی که در مصاحبه ها ثابت می کند که پناهنده است و قبولی می گیرد، پناهنده نامیده می شود.

یک پناهجو در بیشتر کشورهای جهان حق کار قانونی ندارد و به صورت غیرقانونی کار می کند اما یک پناهنده از همه حقوق یک شهروند به جز رای برخورد دار است. اصولاً در برخی از کشورها (بستگی به قوانین آن کشور) پس از ۳ تا ۵ سال بعد از پناهنده شدن تابعیت یا ملیت کشوری که به آن پناهنده شده است را می گیرد.

تابعیت

تابعیت در واقع رابطه ی یک فرد با یک حکومت است و به اصطلاح حقوقی به معنای عضویت یک فرد در جمعیت تشکیل دهنده ی یک دولت گفته می شود و یا به عبارتی دیگر تابعیت نشان دهنده رابطه ی سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص با کشوری معین است.

انواع تابعیت

تابعیت ذاتی: تابعیت ذاتی به تابعیتی گفته می شود که فرد به محض به دنیا آمدن به صورت اتوماتیک آن را کسب می کند، در کشورهای